



Res. article

Conceptual Blending in Political News Headlines

Sepide Kia¹, Hossein Razavian^{2✉}, Sahar Bahrami-Khorshid³

1- M.A. of Linguistics, Faculty of Humanities, Semnan University, Semnan, Iran. 2- Assistant Professor of Linguistics, Department of Linguistics, Faculty of Humanities, Semnan University, Semnan, Iran.

3- Assistant Professor of Linguistics, Department of Linguistics, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Received: 2020/21/09

Accepted: 2020/13/12

Abstract

The purpose of this study is to scrutinize the political news headlines of Ebtekar newspaper based on the theory of conceptual blending. The Analysis of the theory is based on the emerging meaning and structure. This theory consists of four inputs, each of which plays a role in formation of the emergent meaning. Also in this theory, the types of blending networks (simple, mirror, single-scope, and double-scope) are introduced according to the format of inputs. This article examines the political headlines in Ebtekar newspaper to determine the adequacy of the theory in explaining and describing the headlines. For this purpose, 1000 news headlines have been analyzed. The results showed that about 20% of the headlines have used blending. In terms of the frequency of blending, the single-scope type is the most frequent one because this type of blending has four elements: simplicity, transparency, communication, and attractiveness. Therefore, by using this type of blending, in addition to conveying information, the author attempts to make the headlines more attractive, convince the audience and persuade them to follow the news. Also, mirror-type blending is not used in research data, because the structure of this type of blending is such that two events are formed in a common semantics frame but at two different times. Given this structure, it may not be easy for the reader to recall and match two events.

Keywords: cognitive linguistics, cognitive semantics, conceptual blending, mental space, political news headlines.

Citation: Kia, S., Razavian, H., Bahrami-Khorshid, S. (2021). Conceptual Blending in Political News Headlines. *Research in Western Iranian Languages and Dialects*, 9 (34), 89-108. (In Persian)





آمیختگی مفهومی در عناوین خبر سیاسی

سپیده کیا^۱، حسین رضویان^۲، سحر بهرامی خورشید^۳

۱- کارشناس ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران. ۲- استادیار گروه زبان‌شناسی همگانی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران. ۳- استادیار گروه زبان‌شناسی همگانی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

دریافت: ۱۳۹۹/۶/۳۱

پذیرش: ۱۳۹۹/۹/۲۳

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی عناوین خبری سیاسی روزنامه ابتکار براساس نظریه آمیختگی مفهومی است. این نظریه در چارچوب معنی‌شناسی شناختی به وسیله فوکونیه و ترنر (۲۰۰۲) مطرح شده است. سازوکار آن بر پایه پیدایش مفهوم و ساختار نوظهوری قرار گرفته است که نظریه‌های فضای ذهنی و استعاره مفهومی از پس تبیین آن برنامه‌ده‌اند. این نظریه از چهار درون‌داد تشکیل شده است که هر کدام از آن‌ها در شکل‌گیری معنای نوظهور نقش دارند؛ همچنین در این نظریه انواع شبکه آمیختگی (ساده، آینه‌ای، تک‌حوزه‌ای و دو حوزه‌ای) با توجه به قالب درون‌دادها معرفی شده است. نوشتار حاضر پس از معرفی این نظریه، عناوین سیاسی در روزنامه ابتکار را بررسی کرده است تا کارآمدی نظریه در توصیف و تبیین داده‌های پژوهش مشخص شود. به این منظور در نوشتار پیش رو (۱۰۰۰) عنوان خبری بررسی شده است. نتیجه حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که حدود (۲۰٪) از عنوان‌ها دارای آمیختگی هستند. از لحاظ بسامد وقوع انواع آمیختگی، نوع تک‌حوزه‌ای بیشترین بسامد وقوع را دارد به این دلیل که این نوع آمیختگی چهار عنصر سادگی، شفافیت، ارتباط و جذابیت را دارد؛ بنابراین، نویسنده با کاربرد این نوع آمیختگی افزون بر انتقال اطلاعات سعی در جذاب‌کردن عنوان‌ها، متقاعدکردن مخاطب و تشویق آن‌ها به دنبال‌کردن خبر را دارد؛ همچنین آمیختگی نوع آینه‌ای در داده‌های پژوهش به کار نرفته است، زیرا ساختار این نوع آمیختگی به گونه‌ای است که در آن دو حادثه در یک قالب معنایی مشترک ولی در دو زمان متفاوت شکل می‌گیرد. براساس این ساختار، ممکن است احتمال به‌خاطر آوردن و تطبیق دو حادثه برای خواننده آسان نباشد.

کلیدواژه‌ها: زبان‌شناسی شناختی، معنی‌شناسی شناختی، فضاها، آمیختگی مفهومی، عناوین خبری سیاسی.

استناد: کیا، سپیده؛ رضویان، حسین؛ بهرامی خورشید، سحر (۱۴۰۰). بازنمود مفاهیم معنایی افعال حرکتی در کردی سورانی: رویکردی شناختی. فصلنامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران، ۹ (۳۴)، ۸۹-۱۰۸.



۱- مقدمه

زبان‌شناسی شناختی^۱ رویکردی است که زبان را پدیده‌ای ذهنی و حاصل تجربیات ما از جهان، چگونگی درک و شیوه مفهوم‌سازی^۲ می‌داند. با وجود رویکرد برون‌زبانی^۳ یا معنی‌شناسی ارجاعی^۴ که به رابطه بین عبارت‌های دیکته زبانی و وضعیت امور در جهان خارج می‌پردازد و همچنین رویکرد درون‌زبانی^۵ که مطالعه روابط موجود بین عبارت‌های زبانی درون نظام زبان را مد نظر دارد، در رویکرد شناختی فرایندهای شناختی نقش مهمی در ساخت معنی دارند و معنی‌شناسی شناختی^۶ ارتباط موجود بین تجربه، نظام مفهومی بشر و ساختار زبانی عبارت‌های زبانی را مطالعه می‌کند.

آمیختگی مفهومی^۷ نظریه‌ای معناشناختی است که به تبیین ساخت‌های زبانی و غیر زبانی و نقش زبان در فرایند ساخت معنا می‌پردازد و معنا را به‌طور کلی حاصل جمع ساختارهایی می‌داند که حاصل آن بیش از هر یک از ساختارها به‌تنهایی است و ساختاری پیدایشی^۸ دارد. در مثال «این دفترخانه قهوه‌خانه است» براساس دیدگاه استعاره مفهومی^۹ ویژگی‌های حوزه معنایی مقصد (دفترخانه) براساس حوزه مبدأ (قهوه‌خانه) درک می‌شود. همان‌طور که می‌دانیم، دفترخانه اسناد رسمی محل انجام امور اداری مربوط به اسناد است و قهوه‌خانه نیز مکانی برای نشستن و شاید هم تجمع افراد بیکار است و لزوماً مکان بدی نیست، ولی تشبیه دفترخانه به قهوه‌خانه معنی منفی هرج و مرج و مکانی برای رفت‌وآمد غیر ضروری افراد را در ذهن تداعی می‌کند. درحالی که این نگرش منفی در حوزه مبدأ وجود ندارد؛ پس این مفهوم منفی چگونه درک می‌شود؟ استعاره که حاصل نگاشت دو حوزه مبدأ و مقصد است در توضیح این معنی پیدایشی منفی ناکارآمد است؛ بنابراین نظریه آمیختگی مفهومی برای رفع این نقصان استعاره مفهومی در تبیین معنی نوظهور کارآمد است.

فوکونیه و ترنر^{۱۰} (۲۰۰۳) این نظریه را برای ساخت‌های زبانی خلاقانه پیشنهاد کردند. ایشان آمیختگی را فرایندی پویا در نظر می‌گیرند که در حین اندیشیدن، سخن گفتن و شنیدن، فعال می‌شود و

1. cognitive linguistics
2. conceptualization
3. language external
4. refrential
5. language internal
6. cognitive semantics
7. conceptual blending
8. emerge structure
9. conceptual metaphor
10. G. Fauconnier & M. Turner

در این میان نقش تخیل در زبان و در فرایند معناسازی، به‌ویژه جنبه‌های خلاق ساخت معنا مانند استعاره‌های بدیع و غیر واقع انکارناپذیر است؛ افزون بر این، از این نظریه برای حل مسائل هنری، مذهبی و علمی نیز می‌توان استفاده کرد. در مثال پیش رو کارآمدی این نظریه در مسائل غیر زبانی نشان داده شده است. در یک مراسم مذهبی در اروپا فردی بزرگسال نوزاد تازه متولد شده را از پلکان‌ها بالا می‌برد. منظور از این حرکت نمادین، تقویت شانس کودک در دستیابی به موفقیت بیشتر در مسیر زندگی آینده است. ادغام دو درون‌داد برای درک این سنت، یعنی نوزادی که از پلکان بالا برده می‌شود و مسیر زندگی پیش روی کودک این آمیختگی مفهومی را به‌وجود می‌آورد که بالا رفتن آسان از پله‌ها باعث پیشرفت در زندگی کودک خواهد شد. با توجه به این مثال می‌توان به پویایی مفهوم در تبیین معنای غیر زبانی در آمیختگی پی برد (فوکونیه، ۲۰۰۰: ۱)

حال با توجه به اینکه نظریه آمیختگی مفهومی قدرت تبیین مفاهیم زبانی برای درک معنای نوظهور را دارد، نوشتار پیش رو درصدد بررسی این نظریه در پیکره زبانی مورد نظر، یعنی عناوین خبری روزنامه‌ها است. از آنجاکه روزنامه‌ها نقش مهمی در اطلاع‌رسانی به مردم و تأثیرگذاری بر آن‌ها دارند، از طرفی روزنامه‌نگاران برای جذابیت سخن و جذب و هدایت مخاطب به محتوای روزنامه‌ها، از سازوکار ذهنی در ایجاد فرایندهای معنا ساز زبان در ساختن عناوین استفاده می‌کنند. از طرف دیگر خوانندگان به‌مثابه مخاطبین از فرایندهای شناختی موجود در ذهن خود برای درک و فهم منظور روزنامه‌نگاران استفاده می‌کنند. در نوشتار حاضر برآنیم تا در مرحله نخست نظریه آمیختگی مفهومی را معرفی و در مرحله بعد آمیختگی مفهومی در عناوین روزنامه‌ها را بررسی کنیم و به این پرسش‌ها پاسخ دهیم که آیا می‌توان عناوین روزنامه‌ها را با مفروضات و انگاره‌های نظریه آمیختگی مفهومی تبیین کرد؟ و کدام نوع آمیختگی بیشترین بسامد وقوع را در عناوین سیاسی دارد. در پژوهش حاضر هزار عنوان از روزنامه ابتکار در ژانر سیاسی در بازه زمانی تابستان و پاییز (۱۳۹۶) به‌طور تصادفی بررسی شده است.

فوکونیه و ترنر نظریه آمیختگی مفهومی را در سال (۱۹۹۸) مطرح کردند و در سال (۲۰۰۲) در کتاب *شیوه‌ای که بدان می‌اندیشیم* این نظریه را به‌طور کامل معرفی کرده‌اند. دیگر زبان‌شناسان و پژوهش‌گران درباره این نظریه پژوهش‌های فراوانی در مفهوم‌سازی زبانی و غیر زبانی ارائه کردند. کولسون و اوکلی^۱ (۲۰۰۰) مبانی اولیه آمیختگی مفهومی را به‌مثابه نظریه‌ای برای ساخت معنای برخط

مطالعه کردند و این نظریه را از منظر زبان‌شناسی، روان‌شناسی، علوم کامپیوتر و نوروبیولوژی بررسی کرده‌اند. گریدی و کولسون^۱ (۱۹۹۹) سازوکار دو نظریه استعاره مفهومی و آمیختگی مفهومی را معرفی کرده‌اند؛ همچنین شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو نظریه را برشمردند. هلدبلوم^۲ و دیگران (۲۰۱۶) بیان می‌کنند که طرح‌واره‌های تصویری به مثابه الگوهای بنیادی شناختی در نظر گرفته می‌شوند و ترکیب دو نظریه آمیختگی مفهومی و طرح‌واره‌های تصویری تأثیر بسزایی در تفکر خلاق در انسان دارند. در زبان فارسی نیز پژوهش‌گرانی داده‌های این زبان در زمینه آمیختگی مفهومی بررسی کردند، از جمله صادقی (۱۳۹۲) به بررسی و چگونگی شکل‌گیری معنا در آثار ادبی پرداخته است. برکت و دیگران (۱۳۹۱) به کاربست نظریه آمیختگی مفهومی بر قصه‌های عامیانه ایرانی پرداخته است.

لاری متفکر (۱۳۹۲) این نظریه را در عناوین خبری روزنامه‌های ورزشی بررسی کرده است. ندیمی (۱۳۹۲) اخبار سه شبکه تلویزیون ایران براساس نظریه آمیختگی مفهومی بررسی و تحلیل کرده است. ندیمی همچنین بسامد و توصیف و تحلیل استفاده از نظریه آمیختگی مفهومی را در انواع خبر بررسی کرده است. مولوی وردنجان (۱۳۹۸) از نظریه آمیختگی در بررسی مضامین نهفته در فیلم «رقص در غبار» استفاده کرده است و براساس یافته‌های خود این نظریه در ایجاد مفاهیم نوظهور و پیوستگی معنایی کفایت قابل قبولی دارد.

اورکی و ویسی (۱۳۹۶) ساختار معنایی نمونه‌هایی از آیات قرآن را بر پایه نظریه آمیختگی مفهومی مطالعه کرده است. لبش و دیگران (۱۳۹۷) به مراحل ساخت معنا در خطبه (۸۷) نهج‌البلاغه از دیدگاه نظریه آمیختگی مفهومی پرداخته‌اند و بیان کرده‌اند که با توجه به نمونه‌های ارائه شده، استفاده از توانایی خلاق بشری برای بیان مفاهیم انتزاعی ازراه مفاهیم عینی در فضاهای مختلف کاملاً مشهود است.

نوشتار پیش رو از پنج بخش تشکیل شده است. افزون بر بخش حاضر، مبحث دوم به چارچوب نظریه آمیختگی مفهومی اختصاص داده شده است؛ در بخش سوم روش پژوهش بیان شده؛ در بخش چهارم داده‌های پژوهش که عناوین روزنامه هستند، بررسی شده‌اند و در بخش پنجم بحث و نتایج این پژوهش ارائه شده است.

۲- چارچوب نظری

اگرچه از آغاز زبان‌شناسی شناختی زمان زیادی نمی‌گذرد، اما امروزه می‌توان آن را یکی از مهم‌ترین

1. G. Grady & S. Coulson

2. M. Heldblom

مکاتب زبان‌شناسی دانست. زبان‌شناسی شناختی، یعنی مطالعهٔ زبان چنان‌که با آنچه به‌مثابهٔ ذهن بشر می‌شناسیم، سازگار بوده و با زبان به‌گونه‌ای برخورد کند که منعکس‌کننده و افشاگر ذهن باشد (ایوانز و گرین^۱، ۲۰۰۶: ۵۰). برخلاف زبان‌شناسی صورت‌گرا^۲ و به‌طور مشخص نظریهٔ زایشی چامسکی^۳ که نگاهی حوزه‌ای به ساختار ذهن داشته و زبان را به‌مثابهٔ حوزه‌ای مستقل از ذهن به‌شمار می‌آورد، درواقع در نگرش صورت‌گرا به زبان، دانش ساخت‌ها و قواعد زبان، حوزهٔ مستقلى را تشکیل می‌دهد که از دیگر فرایندهای ذهنی انسان همچون اندیشیدن، استدلال، یادآوری و جز آن جداست. ازسوی دیگر سطوح تحلیل زبان نیز، از قبیل واج‌شناسی، نحو و معنی‌شناسی از یکدیگر مستقل هستند، زبان‌شناسان شناختی زبان را یکی از جلوه‌های کارکرد شناختی ذهن به‌شمار می‌آورند. در این رویکرد می‌توان ازراه زبان به کنکاش ساختار اندیشه و ویژگی‌های ذهن بشر پرداخت.

در رویکرد شناختی زبان مجموعه‌ای از واحدهای نمادین است که جفت صورت و معنا هستند. رویکرد شناختی برخلاف دیگر رویکردهای زبان‌شناسی، معنا را که از آن به مفهوم‌سازی یاد می‌کند، فرایندی پویا دانسته که در گفتمان و تعاملات اجتماعی کاربران زبان خلق می‌شود که ازراه واحدهای نمادین^۴ و دستورالعمل‌هایی می‌توانیم زبان خود را رمزگذاری و مفهوم‌سازی کرده و به انتقال مفاهیم پیچیده بپردازیم (راسخ‌مهند، ۱۳۸۹: ۷). همان‌طور که پیش از این گفته شد، در معنی‌شناسی شناختی فرایند ساخت معنی همان مفهوم‌سازی است. درواقع معنا پدیده‌ای از پیش تعیین‌شده نیست؛ یعنی زبان به‌تنهایی معنی را نمی‌سازد بلکه فرایندی است که به‌معنی دانش‌نامه‌ای و راهبردهای تعبیرگری ما بستگی دارد.

با رشد علوم شناختی، توجه دانشمندان علوم شناختی به زبان‌شناسی به‌ویژه معنی‌شناسی شناختی جلب شد. یکی از بخش‌های مهم زبان‌شناسی شناختی، معنی‌شناسی شناختی است. این دیدگاه نخستین بار در سال (۱۹۷۰) به‌وسیلهٔ لیکاف^۵ مطرح شد. زبان‌شناسی شناختی رویکردی متمایز به بررسی معنی زبانی است (صفوی، ۱۳۷۹: ۳۶۳). این دیدگاه در نقطهٔ مقابل آراء زبان‌شناسانی همچون چامسکی در زبان‌شناسی صورت‌گرا که به معنی‌شناسی صدق و کذب معتقد بودند، قرار می‌گیرد. معنی‌شناسان

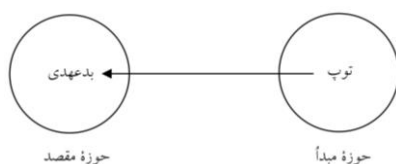
1. V. Evans & M. Green
2. formal linguistics
3. Chamsky
4. symbolic units
5. G. Lakoff

صورت‌گرا معنی را رابطه‌ای میان واژه‌ها و جهان خارج می‌دانستند و نظام شناختی را از نظام زبانی کنار می‌گذاشتند (سویتسر^۱، ۱۹۹۰: ۴). معنی‌شناسی شناختی، معنی زبانی را بازنمود ساختار مفهومی و رفتار زبانی را بخشی از استعدادهای شناختی انسان می‌داند. معنی‌شناسی شناختی شامل مفاهیم و مباحثی مانند استعاره، مجاز^۲، معنی دانش‌نامه‌ای^۳، مقوله‌بندی^۴ و نظریه سرنمون^۵، فضاهاى ذهنی^۶ و آمیختگی مفهومی است (راسخ‌مهند، ۱۳۸۹: ۳۸).

نظریه آمیختگی مفهومی با استناد به نظریه استعاره مفهومی و در راستای رفع کاستی‌های این نظریه و با بهره‌گیری از ایده فضاهاى ذهنی فوکونیه مطرح شد؛ بنابراین در ابتدا شرح مختصری از نظریه استعاره مفهومی لیکاف و جانسون داده خواهد شد و سپس به‌طور مختصر نظریه فضاهاى ذهنی فوکونیه توضیح داده خواهد شد.

لیکاف و جانسون^۷ برای نخستین‌بار در سال (۱۹۸۰) از استعاره مفهومی سخن گفته‌اند (راسخ‌مهند، ۱۳۸۹: ۵۶). استعاره مفهومی درک یک حوزه مفهومی براساس حوزه مفهومی دیگری است. طی فرایند استعاره، معنا از راه نگاشت‌های یک‌سویه از حوزه مبدأ^۸ به سمت حوزه مقصد^۹ شکل می‌گیرد. حوزه مبدأ عموماً عینی‌تر و حوزه مقصد انتزاعی‌تر است. مثال زیر ما را به درک بهتر از این نظریه می‌رساند. در عنوان خبری «توپ بدعهدی‌ها در زمین آمریکا» ما «بدعهدی» را که یک ویژگی رفتاری است، به‌مثابه «توپ» در نظر می‌گیریم که در زمین بازی قرار گرفته است. در وهله اول شاید نسبت‌دادن ویژگی فیزیکی به بدعهدی برای ما قابل درک نباشد، ولی نظریه استعاره مفهومی این امکان را فراهم می‌آورد که حوزه مقصد، یعنی بدعهدی را که مفهومی انتزاعی است، براساس حوزه مبدأ که در اینجا «توپ» است و مفهومی عینی و ملموس دارد، سازمان‌بندی شود. در این عنوان «برجام و توافق» به بازی فوتبالی تشبیه شده است تا با استفاده از ویژگی‌های فیزیکی بازی فوتبال، برای مثال قرارگرفتن توپ در زمین حریف، به درک حوزه انتزاعی از یک ویژگی رفتاری برسیم.

-
1. E. Sweetser
 2. metonymy
 3. Encyclopedic meaning
 4. categorization
 5. Prototype theory
 6. Mental spaces
 7. M. Johnson
 8. source domain
 9. target domain



شکل (۱). انگاره استعاره مفهومی در عنوان خبری «توپ بدعه‌دی در زمین آمریکا»

حال به نظریه فضای ذهنی می‌پردازیم. فوکونیه و ترنر، این نظریه را در سال (۱۹۹۴) مطرح کردند. براساس این نظریه، ساخت معنا که روندی مفهومی است که طی دو فرایند صورت می‌گیرد. ۱- ساخت فضاهای ذهنی؛ ۲- نگاشت بین این فضاها (فوکونیه، ۱۹۹۷: ۱۱). درواقع جملات به‌خودی خود و به‌تنهایی معنا را شکل نمی‌دهند، بلکه به‌مثابه دستورالعمل‌هایی برای ساخت برخط^۱ حوزه‌های معنایی پیچیده، اما موقتی عمل می‌کنند.

ساخت برخط به این معناست که این فضاها همچون بسته‌های مفهومی^۲ در زمان صحبت کردن یا تفکر در ذهن شکل می‌گیرند و با ایجاد نگاشت‌هایی با فضاهای دیگر، ما را به درک بهتری از موضوع می‌رسانند (فوکونیه و ترنر، ۲۰۰۲: ۴۰) و اما موقتی بودن فضاهای ذهنی این‌طور تلقی می‌شود که برای یک جمله یکسان، فضاهای متفاوتی شکل می‌گیرد که این امر باعث شکل‌گیری تعبیر متفاوتی می‌شود؛ برای مثال در جمله «در آن شرایط بهتر بود عکس‌العمل نشان نمی‌دادی»، گوینده با استفاده از حرف اضافه «در» به‌منزله فضا ساز^۳، ذهن ما را در ساختن فضاهای ذهنی مد نظر کمک می‌کند، البته در اینجا ویژگی موقتی بودن فضاهای ذهنی تعبیر متفاوتی را در ذهن فراخوان می‌کند، مانند فضای شمات (نباید عکس‌العمل نشان می‌دادی) یا فضای راهنمایی (در این مواقع عکس‌العمل نشان نده) یا حتی فضای تأسف (کاش عکس‌العمل نشان نمی‌دادی). این حوزه‌ها فضاهای ذهنی نام دارند که برخلاف حوزه‌های معنایی در استعاره پویا، گذرا و موقتی هستند. ذهن این قابلیت را دارد که در بافت نظر همواره فضاهای ذهنی تازه‌ای خلق کرده و به فضاهای پیش و پس از خود پل بزند (ایوانز و گرین، ۲۰۰۶: ۳۶۳).

نظریه آمیختگی مفهومی را فوکونیه و ترنر در سال (۱۹۹۸) معرفی کردند، می‌توان گفت نظریه آمیختگی چه به‌لحاظ ساخت و چه کاربرد، بیشتر به نظریه فضاهای ذهنی شبیه است. آمیختگی مفهومی

1. on-line
2. Conceptual passage
3. Space builder

را شکل توسعه‌یافته نظریه فضا‌های ذهنی می‌دانند. این نظریه مفاهیم و پیچیدگی‌های جدیدی را به مفاهیم قبلی معنی‌شناسی شناختی افزوده است. ایده اصلی در این نظریه این است که در روند ساخت معنا آنچه در نهایت به دست می‌آید، چیزی فراتر از ترکیب صرف ساختارها و داده‌های اولیه است؛ برای مثال در مقوله «pet fish» (ماهی خانگی) از آمیختگی ساده دو مقوله «pet» (حیوان خانگی) و «fish» (ماهی) ساخته نشده است (فودور و لیپور^۱، ۱۹۹۶). مقوله «petfish» به صورت گزینشی جنبه‌هایی از هر کدام از مقوله‌های منبع را برای ساخت یک مقوله جدید با ساخت درونی منحصربه‌فرد، باهم ترکیب می‌کند. این عمل با آمیختگی مفهومی امکان‌پذیر است (ایوانز و گرین، ۲۰۰۶: ۴۰۰).

ایوانز و گرین از مثال «آن جراح قصاب است»، برای شرح این نظریه استفاده کردند (ایوانز و گرین، ۲۰۰۶: ۴۰۴). اگر بخواهیم این جمله را استعاره مفهومی در نظر بگیریم، باید برای برخی از ویژگی‌های هر حوزه، ویژگی‌هایی مشابه و متناظر از حوزه دیگر، با استفاده از یک نگاشت یک‌سویه داشته باشیم. حوزه مقصد (جراح) براساس برخی ویژگی‌های حوزه مبدأ (قصاب) از راه نگاشت‌های یک‌سویه درک می‌شود. اشکالی که به استعاره مفهومی در این ساختار وارد است، این است که این جمله دربردارنده یک ارزیابی منفی است که استعاره مفهومی از تبیین آن عاجز است (گریدی و کولسون، ۱۹۹۹). ما با معرفی یک جراح به منزله قصاب، سعی در نشان دادن عدم مهارت جراح داریم، در صورتی که یک قصاب لزوماً فاقد مهارت و ناکارآمد نیست؛ اما به نظر نمی‌رسد که این ارزیابی منفی از هیچ‌کدام از حوزه‌های درون‌داد اولیه دریافت شده باشد؛ بنابراین در این نمونه‌ها ساخت معنا شامل یک ساختار پیدایشی است (ایوانز و گرین، ۲۰۰۶: ۴۰۳).

آن ویژگی‌های استعاره مفهومی که موجب عدم کفایت برای تبیین مفهوم پیدایشی منفی در مثال بالاست، شامل موارد زیر هستند: همه آمیختگی‌ها استعاره نیستند و در طبقه‌بندی انواع آمیختگی فقط نوع تک‌حوزه‌ای دارای استعاره است در صورتی که مثال مورد نظر از نوع دو‌حوزه‌ای است. استعاره‌ها نگاشت‌هایی تک‌سویه از حوزه مبدأ به حوزه مقصد هستند، درحالی که آمیختگی مفهومی شامل ساختار فرافکنی‌های^۲ انتخابی از درون‌دادها به فضای آمیختگی هستند که در اینجا عناصر متفاوت از هر دو درون‌داد شامل قصاب، جراح و روش کار قصاب به فضای آمیخته انتخاب شده‌اند.

1. G. Fodor & E. Lepore

2. projections

ویژگی دیگر اینکه در استعاره مفهومی نگاشت‌هایی که بین حوزه‌ها برقرار است، ساختارهای دانش ثابتی هستند که به صورت طبقه‌بندی شده در حافظه طولانی مدت^۱ ذخیره می‌شوند در مقابل فضاهای ذهنی که آمیختگی مفهومی را می‌سازند، بسته‌های موقتی و پویایی هستند که در حین صحبت به صورت برخاسته می‌شوند. این ویژگی آمیختگی مفهومی باعث می‌شود که بتوان از قالب‌های استعاره فراتر رفت و جراح را به صورت قصاب تخیل کرد. دیگر اینکه استعاره مفهومی نظریه‌ای دوحوزه‌ای است در حالی که آمیختگی مفهومی نظریه‌ای است شامل حداقل چهار فضا، در این مثال دو فضای درون‌داد^۲ با عناصر متناظر نگاشت شده شامل (قصاب و جراح، حیوان و بیمار، ساطور جراحی و چاقوی جراحی، کشتارگاه و اتاق عمل، آماده‌کردن گوشت و درمان، قصاب و جراحی) است.

فضای دیگر فضای عام^۳ است که دربردارنده ویژگی‌های انتزاعی مشترک دو فضا است مثل کنش‌گر (جراح و قصاب)، کنش‌پذیر (بیمار و حیوان)، هدف، محیط کار و همچنین روش کار و فضای چهارم، یعنی فضای آمیختگی شامل عناصر انتخابی از هر دو درون‌داد که موجب پدیدآمدن معنای نوظهور می‌شود که در این مثال همان عدم مهارت جراح است. ویژگی دیگر اینکه استعاره بر این مفهوم تأکید دارد که یک «سیستم استعاری» در این نظریه به منظور فراهم آوردن ساختارهای باثبات و سازمان‌یافته با سیستم مفهومی انسان در تعامل است در مقابل نظریه آمیختگی بر پویایی و جنبه‌های متغیر آمیختگی و نقش آن در ساختن معنا تأکید می‌کند که در اینجا پویایی سبب می‌شود که خواننده به درک مفهوم منفی جمله برسد (ایوانز و گرین، ۲۰۰۶: ۴۳۵).

در نوشتار پیش رو از یک عنوان خبری که دربردارنده آمیختگی مفهومی است، برای درک بهتر این نظریه و چگونگی کارکرد آن استفاده می‌شود. عنوان منتخب «طلاق‌های مایکروفری» است. در این عنوان خبری دو فضای درون‌داد «طلاق» و «مایکروفر» ایجاد شده است. در فضای ذهنی «طلاق» در نگاشتی درون فضایی^۴ ازدواج یک زوج و ساختن زندگی مشترک به دلیل عدم تفاهم در طول زندگی مشترک به طلاق منجر می‌شود. از سوی دیگر در فضای ذهنی «مایکروفر» با دستگاهی روبه‌رو هستیم که در مدت زمان بسیار کمتر از حد معمول، غذا را می‌پزد.

با توجه به عصر حاضر، به دلیل مشغله زیاد و عدم وقت لازم برای پخت غذا، این دستگاه مدرن

1. long term memory

2. input

3. generic space

4. inner- space

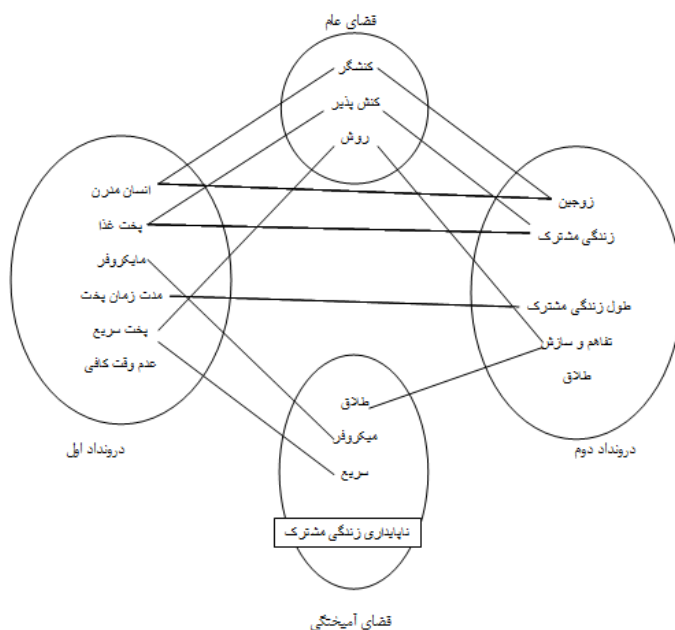
ابزاری برای پخت غذا در این سبک زندگی به‌شمار می‌رود؛ بنابراین در این درون‌داد ما با عصر مدرنی که در آن انسان مدرن از ابزار مدرن استفاده می‌کند روبه‌رو هستیم. در این مثال اطلاعات انتزاعی و مشترک که فضای عام را به‌وجود می‌آورند، شامل کنش‌گر (انسان مدرن یا زوجین در رویارویی با مسائل زندگی مشترک زناشویی و مواجهه با مسائل روزمره از جمله آشپزی) و همچنین روش (شیوه برخورد با مسائل روابط انسانی و مسائل روزمره) می‌شود. درواقع فضای عام از تشخیص شباهت‌های دو درون‌داد حاصل می‌شود.

پس از تشخیص شباهت‌های کلی، خواننده باید بین مفاهیم دو درون‌داد نگاشت برقرار کند؛ یعنی با استفاده از تناظرهای میان‌فضایی^۱ بین عناصر دو درون‌داد در دو فضای متفاوت ارتباط به‌وجود می‌آورد. در این عنوان خبری، بین انسان مدرن و زوجین، مدت زمان پخت غذا و مدت دوام زندگی مشترک انطباق ایجاد می‌شود. این انطباق موجب شکل‌گیری روابطی می‌شود که فوکونیه و ترنر از آن به «روابط حیاتی»^۲ نام می‌برند. روابط حیاتی اغلب در عملکردهای آمیختگی تکرار می‌شوند. این روابط شامل زمان^۳، فضا^۴، بازنمایی^۵، تغییر^۶، نقش^۷ - ارزش^۸، قیاس^۹، ضد قیاس^{۱۰}، جزء - کل^{۱۱} و علت - معلول^{۱۲} هستند (فوکونیه و ترنر، ۲۰۰۲: ۳۱۴).

پس از اینکه روابط حیاتی عناصر متناظر را فشرده کرد، در این مرحله عناصر نگاشت‌شده باهم ترکیب^{۱۳} می‌شوند و از هر درون‌داد یک یا چند عنصر به‌صورت انتخابی به فضای آمیخته فرافکنده می‌شود. در این عنوان آنچه انتخاب می‌شود، «طلاق و مایکروفر» است که به فضای آمیختگی فرافکنده می‌شود. حال مفهوم پیدایشی حاصل از این فرافکنی در این فضا آشکار می‌شود. در این عنوان مفهوم منفی «ناپایداری زندگی زناشویی» به‌منزله معنای نوظهور به‌وجود می‌آید که در هیچ‌یک از درون‌دادها وجود ندارد. در این عنوان دستگاه مایکروفر لزوماً دستگاه ناکارآمدی برای پخت غذا نیست و چه‌بسا در

1. outer-space
2. vital relations
3. time
4. space
5. representation
6. change
7. role_value
8. analogy
9. disanalogy
10. part_whole
11. cause_effect
12. composition

موقعی بسیار کاربردی است؛ ولی آنچه خواننده را به درک این مفهوم منفی نوظهور می‌رساند، روش کار مایکروفر در قالب زندگی زناشویی است که به دلیل عدم صبر و صرف هزینه، در زمان کمی به طلاق می‌انجامد؛ افزون بر ترکیب، فرایند تکمیل^۱ در ساخت معنی نقش دارد (فوکونیه و ترنر، ۲۰۰۲: ۴۸). این فرایند شامل طرح‌واره‌هایی است^۲ که به‌طور ناخودآگاه دانش پس‌زمینه را به کار می‌گیرد. در این عنوان روش کار مایکروفر یعنی تسریع روند پخت غذا، دانش پس‌زمینه برای مایکروفر است که سبب می‌شود آمیختگی تکمیل شود. پس از فعال شدن این دانش، پس‌زمینه در کنار فضای ذهنی طلاق، فرایند پایانی که بسط^۳ نام دارد را رقم می‌زند. در این فرایند، خواننده از ادغام فرافکنی‌های انتخابی این دو فضای ذهنی به مفهوم پیدایشی «عجولانه برخورد کردن زوجین با مسائل زندگی زناشویی و درنهایت عدم پایداری و پایان یافتن زندگی در مدت زمان کوتاه» می‌رسد.



شکل (۲). آمیختگی مفهومی در عنوان «طلاق‌های مایکروفری»

افزون بر تشریح چگونگی کارکرد نظریه آمیختگی مفهومی، فوکونیه و ترنر بر این باور هستند که با انواع مختلفی از آمیختگی مفهومی روبه‌رو هستیم. آن‌ها در تقسیم‌بندی خود چهار نوع آمیختگی

1. completion
2. schema
3. elaboration

مفهومی را معرفی می‌کند. شبکه‌های ساده^۱، شبکه‌های آینه‌ای^۲، شبکه‌های تک‌دامنه‌ای^۳ و شبکه‌های دودامنه‌ای^۴ (فوکونیه و ترنر، ۲۰۰۲: ۲۹۹). در اینجا انواع شبکه‌ها و روش کارکرد آن‌ها با مثال‌هایی توضیح داده می‌شود.

در ابتدا به شبکه‌های ساده می‌پردازیم. شبکه‌های ساده تنها دارای دو درون‌داد هستند که یکی حاوی نقش^۵ و دیگری دارای ارزش^۶ است؛ برای مثال در عبارت «پیامدهای کناره‌گیری بارزانی از ریاست اقلیم کردستان» این عبارت دو درون‌داد دارد. یکی از درون‌دادها دربرگیرنده قالب نقشی است که در اینجا «رئیس جمهور کردستان» است و دیگری شامل قالب ارزشی است که متعلق به «بارزانی» است؛ بنابراین، آمیختگی این عنوان از نوع ساده است. در این نوع از آمیختگی مفهومی یکی از درون‌دادها (درون‌داد ۱) دارای قالب معنایی است. شبکه بعدی شبکه آینه‌ای است. در این نوع از آمیختگی مفهومی هر دو درون‌داد دارای یک قالب معنایی مشترک هستند.

در عنوان «حماسه ملبورن سوری‌ها» قالب معنایی مشترک بازی فوتبال است. در اینجا زمان می‌تواند به‌مثابه رابطه حیاتی عمل کند و این دو رویداد را که در فضاهای درون‌داد مختلف قرار دارند را به هم متصل کند. فضای درون‌داد (۱) مربوط به بازی فوتبال بین تیم‌های ایران و استرالیا برای دوره مقدماتی جام جهانی (۱۹۹۸) و فضای ذهنی دیگر مربوط به رقابت فوتبال بین سوریه و استرالیا برای دوره مقدماتی جام جهانی (۲۰۱۸) است. در این جمله، شرایط به‌وجود آمده برای سوری‌ها برای راه یافتن به جام جهانی به بازی پلی‌آف با استرالیا کشیده شد که در بازی رفت این تیم نتایج برابری کسب کردند و بازی برگشت این دو تیم سرنوشت آن‌ها را برای حضور در جام جهانی رقم می‌زند.

این رویداد برای این دو تیم تداعی رویدادی است که در سال (۱۹۹۸) برای تیم ایران و استرالیا رخ داد و از این رویداد به‌مثابه «حماسه ملبورن» یاد می‌کنند که در آن ایران طی بازی رفت و برگشت در مرحله بازی حذفی توانست با شکست تیم استرالیا راهی جام جهانی شود. در فضای آمیختگی، این روابط حیاتی برون‌فضایی به‌نحوی فشرده‌سازی می‌شوند که به‌صورت هم‌زمان در نظر گرفته می‌شوند. در این عنوان خبری فشرده‌سازی به‌معنی تقلیل این دو رویداد در یک زنجیره زمانی است؛ بنابراین این

-
1. simplex webs
 2. mirror webs
 3. single scope webs
 4. double scope webs
 5. role
 6. value

آمیختگی از نوع آینه‌ای است. نوع سوم شبکه‌های تک‌دامنه‌ای است، در این شبکه هر درون‌داد دارای قالب معنایی مجزاً و متفاوت از یکدیگر هستند، اما تنها یکی از درون‌دادها در شکل‌گیری آمیختگی نقش دارد. در عنوان خبری زیر این نوع آمیختگی مشاهده می‌شود.

«سعودی‌ها زیان درو می‌کنند.» این آمیختگی از نوع تک‌حوزه‌ای است که حاصل نگاشت‌هایی از دو درون‌داد با قالب متفاوت، یعنی کشاورزی و سیاست است. در این آمیختگی سعودی‌ها در قالب کشاورزانی بازنمایی شده‌اند که برای دروی محصول بیشتر، یعنی کسب بالاترین قدرت در منطقه، به هرکاری دست می‌زنند از جمله وزن‌کشی قدرت با تهران. وارد چرخه رقابت‌شدن با تهران نه تنها موجب رسیدن آن‌ها به قدرت نمی‌شود؛ بلکه باعث آسیب‌رساندن به مردم و عدم ثبات سیاسی منطقه می‌شود که درواقع همان دروی زیان برای سعودی‌ها است.

درنهایت شبکه‌های دودامنه‌ای که در آن‌ها هر درون‌داد دارای یک قالب معنایی متفاوت بوده و هر دوی آن‌ها در شکل‌گیری آمیختگی نقش دارند. به مثال زیر توجه کنید. در این عنوان خبری می‌توان یک شبکه دودامنه‌ای را مشاهده کرد. «اتفاق دو جناح درمورد دوزیست‌های سیاسی.» این آمیختگی از دو درون‌داد تشکیل می‌شود. درون‌داد اول مربوط به فضای ذهنی جانوران و درون‌داد دوم مربوط به سیاست است. دوزیست‌های سیاسی استعاره از سیاست‌مدارانی است که در هر دو جناح فعالیت می‌کنند و مانند دوزیست‌ها که می‌توانند هم در آب و هم در خشکی زندگی کنند، آن‌ها هم می‌توانند بنا به شرایط جوئی به یکی از دو جریان نزدیک شوند، یعنی هم اصول‌گرا باشند و هم اصلاح‌طلب.

با وجود اینکه یک جانور دوزیست در ذات خود معنی منفی را ندارد؛ ولی مقایسه این دو و نسبت‌دادن ویژگی دوزیست به برخی سیاست‌مداران، باعث ایجاد معنی منفعت‌گرایی و قابل اعتماد نبودن می‌شود. به‌طور کلی این افراد در امور سیاسی بدون خط و نشان درنظر گرفته می‌شوند و این معنی منفی در هیچ‌یک از درون‌دادها درک نمی‌شود. درنتیجه این آمیختگی از نوع دوحوزه‌ای است. این نوع آمیختگی منبع غنی خلاقیت در انسان درنظر گرفته می‌شود که ابزار ضروری برای فکر است. درواقع آمیختگی دوحوزه‌ای به همان روشی که در سطوح بالای علمی، هنری و افکار ادبی عمل می‌کند در سطوح پایین‌تر مثل فهم ابتدایی و معنی جمله نیز به کار می‌رود (فوکونیه و ترنر، ۲۰۰۳: ۷)

۳- روش پژوهش

در پژوهش حاضر، هزار عنوان سیاسی از روزنامه ابتکار به‌مثابه یکی از روزنامه‌های پرتیرا با آرشیو

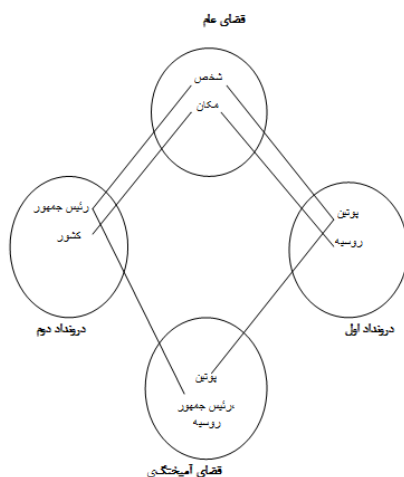
الکترونیکی کامل، در بازه زمانی تابستان و پاییز (۱۳۹۶) بررسی شده است. از این تعداد (۱۶۰) عنوان دارای آمیختگی و با نظریه آمیختگی مفهومی قابل توصیف و تحلیل هستند. پس از تعیین وجود آمیختگی در هر عنوان، نوع آمیختگی موجود در هر عنوان و سپس بسامد رخداد هر نوع بررسی شد تا مشخص شود که بیشترین نوع آمیختگی به کار رفته در عنوان‌ها کدام است و دلیل پربسامد بودن آن نوع چیست؛ همچنین برای شفاف‌تر شدن و درک بهتر سازوکار این نظریه، از هر نوع آمیختگی یک عنوان را انتخاب نموده و سپس به توضیح چگونگی شکل‌گیری آمیختگی در آن پرداختیم. پس از تشریح هر عنوان شبکه‌های مربوط به آن‌ها را همراه با رسم نگاشت‌های میان‌فضایی ترسیم کرده‌ایم.

۴- تحلیل داده

این بخش شامل عنوان‌هایی است که دربردارنده آمیختگی مفهومی است. انواع آمیختگی با انتخاب یک عنوان خبری توضیح و ترسیم شده است. توضیح و ترسیم عناوین مورد بررسی به شرح زیر است:

۱- «رئیس جمهور روسیه از فکر کردن به حضور دوباره در انتخابات ریاست جمهوری خبر داد. پوتین در پی تداوم سیطره کرملین»

این عنوان از نوع شبکه آمیختگی ساده است. از دو درون‌داد تشکیل شده است. یکی از درون‌دادها دربرگیرنده قالب نقشی است. در اینجا چارچوب سیاست شامل نقش‌هایی برای ریاست جمهوری و کشور مربوطه است و دیگری شامل قالب ارزش‌های موجود در درون‌داد اول هستند که عبارت‌اند از «پوتین» و «روسیه». شبکه آمیختگی را می‌توان در شکل زیر مشاهده کرد:

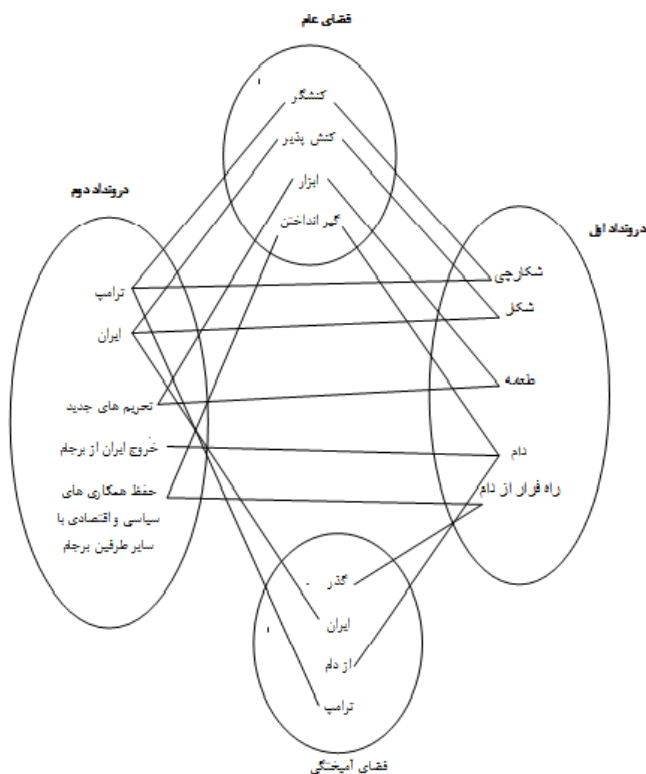


شکل (۳). شبکه آمیختگی عنوان خبری «رئیس جمهور روسیه از فکر کردن به حضور دوباره در انتخابات...»

۲- «راهبرد ایران برای گذر از دام ترامپ»

شبکه آمیختگی این عنوان، از دو درون‌داد تشکیل شده است: اول درون‌داد مربوط به «شکار» و دیگری درون‌داد مربوط به «سیاست». میان عناصر این دو درون‌داد نگاشت‌هایی صورت می‌پذیرد و عناصر از هر دو درون‌داد وارد فضای آمیختگی می‌شوند و ساخت نوظهور را ایجاد می‌کنند. این عنوان دارای آمیختگی تک‌حوزه‌ای است.

در این آمیختگی دولت آمریکا، خروجش از برجام را هزینه‌بردار قلمداد کرد و با طرح نقشه تصویب تحریم‌های جدید علیه ایران در سه حوزه برنامه موشکی، تروریسم و حقوق بشر، این تحریم‌ها را به مثابه طعمه‌ای در نظر گرفته است تا ایران را تحت فشارهای فزاینده بین‌المللی قرار دهد و ایران را در دام خروج از برجام بگذارد.

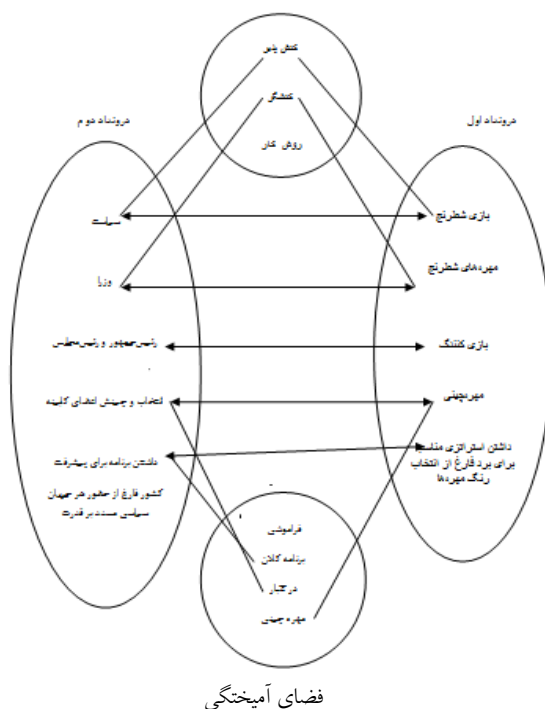


شکل (۴). شبکه آمیختگی عنوان خبری «راهبرد ایران برای گذر از دام ترامپ»

۳- «فراموشی برنامه‌های کلان در غبار مهره‌چینی وزرا»

معنای نوظهور در این عنوان خبری حاصل دو درون‌داد بازی شطرنج و سیاست است. نگاشت‌های این

دو درون‌داد بدین صورت است. اعضای کابینه به مهره‌های شطرنج تشبیه شده‌اند و رئیس‌جمهور و رئیس مجلس به حرکت‌دهندگان مهره‌ها. «چینش مهره‌ها» در شطرنج با «انتخاب وزرا برای کابینه جدید دولت» نگاشت دارد و همچنین نگاشت دیگری بین «داشتن برنامه برای پیشرفت کشور فارغ از حضور هر جریان سیاسی مسند بر قدرت» با «داشتن استراتژی مناسب برای برد در بازی شطرنج فارغ از انتخاب رنگ مهره‌ها» نگاشت دارد. آنچه در این عنوان خبری اهمیت دارد این است که عمل کردن به برنامه‌های کلان باعث پیشرفت کشور می‌شود و این امر با استفاده از اجرای صحیح برنامه‌های کلان به وسیله اعضای کابینه محقق می‌شود و آن چیزی که در این پیشرفت اهمیت چندانی ندارد، صرف وقت زیاد برای انتخاب و چینش اعضای کابینه دولت با توجه به جناح سیاسی آن‌ها است. در درون‌داد اول، مهره‌چینی از ملزومات بازی شطرنج است و لزوماً معنی منفی دربر ندارد، ولی در نگاشتی که با عنصری از درون‌داد دوم رخ می‌دهد، در فضای آمیختگی این معنای نوظهور را پدید می‌آورد که توجه صرف به انتخاب وزرا با توجه به جناح آن‌ها تنها موجب غافل ماندن از برنامه‌های کلان و دور شدن از اهدافی است که کشور را به پیشرفت می‌رساند؛ بنابراین، این آمیختگی از نوع دوحوزه‌ای است.



شکل (۵). شبکه آمیختگی مفهومی عنوان خبری «فراموشی برنامه کلان در غبار مهره‌چینی وزرا»

۵- بحث و نتیجه‌گیری

چنانچه در تحلیل عناوین نشان داده شد، می‌توان گفت که نظریه آمیختگی مفهومی در ساخت عناوین روزنامه‌ها کاربرد دارد و جذابیتی را برای واکاوی خواننده به‌منظور رسیدن به مفهوم مورد نظر به‌وجود می‌آورد، با توجه به این امر که آمیختگی مفهومی به‌مثابه زیرمجموعه‌ای از معنی‌شناسی شناختی است که به توصیف و تبیین ساختار و نقش زبان به‌منزله منعکس‌کننده الگوی اندیشه می‌پردازد.

در عناوینی که آمیختگی مفهومی به‌کار رفته است، نویسنده آمیختگی را برپایه دو فضای درون‌داد و یک فضای مشترک قرار می‌دهد که با نگاشت‌هایی برهم منطبق می‌شوند و در فضای جدیدی به‌نام آمیختگی ظاهر می‌شوند تا خواننده برای درک این معنای نوظهور، به بازسازی این شبکه آمیختگی ازراه فرایندهای مشابهی بپردازد.

جدول (۱). تعداد آمیختگی مفهومی در ژانر سیاسی و بسامد وقوع انواع آن

نوع آمیختگی	سیاسی	ساده	آیینی‌ای	تک‌حوزه‌ای	دوحوزه‌ای
تعداد	۱۶۰	۲	۰	۱۴۵	۱۲
درصد	٪۱۰۰	٪۱/۲۵	٪۰	٪۹۰/۶۲	٪۷/۵

جدول آماری (۱) نشان می‌دهد که در پژوهش حاضر، هزار عنوان بررسی شده است که از این تعداد (۱۶۰) مورد دارای آمیختگی هستند و از این تعداد آمیختگی، (۲) عنوان از نوع آمیختگی ساده، (۱۲) عنوان دوحوزه‌ای، (۱۴۵) عنوان از نوع آمیختگی تک‌حوزه‌ای و آمیختگی آیینی‌ای در عنوانی به‌کار نرفته بود. با توجه به جدول (۱) و نگاهی به تعداد عناوین و بسامد وقوع انواع آن، این مسئله روشن می‌شود که آمیختگی مفهومی از نوع تک‌حوزه‌ای بیشترین بسامد را در این ژانر به‌خود اختصاص داده است. این بدان‌دلیل است که یکی از قواعدی که خبرنگاران برای نوشتن عنوان اصولی در نظر می‌گیرند، قاعده چهارضلعی است که مؤلفه‌های آن شامل ارتباط، سادگی، شفافیت و جذابیت است. به‌نظر می‌رسد که آمیختگی مفهومی تک‌حوزه‌ای هر چهار مؤلفه این قاعده را داراست به‌طوری که نویسنده با ساخت خلاصه عناوین، افزون بر انتقال اطلاعات، سعی در برجسته‌ترکردن عنوان و جذب خواننده به دنبال‌کردن مطلب را دارد.

از آنجاکه در آمیختگی تک‌حوزه‌ای فقط یکی از درون‌دادها در شکل‌دهی آمیختگی نقش دارد و آن درون‌داد در قالب حوزه عینی نشان داده می‌شود و دارای ویژگی‌های فیزیکی هستند، بنابراین سهولت درک برای خواننده بیشتر است. درواقع آمیختگی تک‌حوزه‌ای، نه سادگی ساخت آمیختگی نوع ساده را

دارد که تنها به انتقال اطلاعات می‌پردازد و نه پیچیدگی ساخت آمیختگی دوحوزه‌ای را دارد، به همین دلیل این نوع آمیختگی بیشترین بسامد را به‌خود اختصاص داده است.

آمیختگی مفهومی از نوع دوحوزه‌ای با بسامد بسیار کم در عناوین ژانر سیاسی وجود دارد. این نوع آمیختگی دارای بیشترین خلاقیت و میزان پیچیدگی است. از آنجاکه در ساخت آمیختگی دوحوزه‌ای هر دو درون‌داد در شکل‌دهی آمیختگی نقش دارند، یعنی هم حوزه عینی یا تجربی و هم حوزه انتزاعی و همچنین معنای نوظهوری که در فضای آمیختگی به‌وجود می‌آید، در مجموع باعث پیچیدگی عنوان و درک سخت‌تر آن می‌شود و شاید تحلیل آن از حوصله خواننده خارج باشد؛ بنابراین ترجیح روزنامه‌نگار بر این است که از این نوع آمیختگی کمتر استفاده کند.

با توجه به جدول (۱)، آمیختگی مفهومی از نوع ساده بسامد وقوع بسیار معدودی در عناوین خبری دارد. این بسامد کم به‌دلیل ساختار این نوع آمیختگی است که شامل دو قالب نقش و ارزش است. غالباً در عنوان‌های خبری، به‌دلیل اینکه روزنامه‌نگاران فرض را بر این می‌گیرند که خواننده تا حدودی زیادی بر نقش‌ها و ارزش‌های افرادی که در رأس امور سیاسی قرار دارند واقف هستند، در نتیجه در ساخت برخی از عنوان‌ها، فقط قالب ارزش یا قالب نقش را ذکر می‌کنند. به عناوین زیر توجه کنید:

- همه مردان رئیس‌جمهور (در این عنوان خبر فقط قالب نقش ذکر شده است).

- خط و نشان‌های ترامپ (در این عنوان خبر فقط قالب ارزش ذکر شده است).

مشاهده این عناوین گواه بر این مدعاست که در بسیاری از عناوین یا از قالب نقش یا از قالب ارزش استفاده می‌شود.

آمیختگی مفهومی از نوع آینه‌ای در عناوین مشاهده نشده است، زیرا با توجه به ساختار این نوع آمیختگی، درون‌داد اول بیان‌گر رویداد برجسته‌ای است که در سال‌های پیشین به‌وقوع پیوسته است و چه‌بسا در اذهان عموم ثبت شده است. درون‌داد دوم، رویدادی است که در زمان حال رخ داده است. این دو رویداد قالب معنایی مشترک دارند و با استفاده از روابط ضروری که کاربردی‌ترین آن زمان است، فشرده می‌شوند به‌طوری که دو رویداد به‌صورت هم‌زمان در نظر گرفته می‌شوند، ولی به‌دلیل احتمال کم وقوع حوادث در یک قالب معنایی مشترک و در دو زمان متفاوت، این نوع آمیختگی در عناوین به‌ندرت دیده می‌شود. افزون بر این، آمیختگی آینه‌ای تداعی رویدادی است که در زمان گذشته به‌وقوع پیوسته است، همان‌طور که از نامش نیز پیداست، آینه‌ای به‌معنای وقوع رویدادی

همسان. در این نوع آمیختگی این احتمال برای خواننده وجود دارد که ذهن یاری دهنده‌ای برای به‌خاطر آوردن آن اتفاق نداشته باشد، همچنین گذشت زمان تشبیه‌سازی و انطباق دو واقعه را در ذهن خواننده دشوارتر می‌کند. در این صورت است که خواننده نمی‌تواند ارتباط اتفاق جدید را با رویداد قبل مطابقت دهد، در نتیجه مقصود روزنامه‌نگار از ساخت عنوان درک نمی‌شود؛ بنابراین، این نوع آمیختگی اصلاً وجود ندارد.

منابع

- اورکی، غلامحسین و الخاص ویسی (۱۳۹۶). بررسی زبان‌شناختی ساختار معنایی نمونه‌هایی از آیات قرآن بر پایه نظریه آمیختگی مفهومی. *لسان‌مبین*، ۹ (۳۰)، ۱-۲۴.
- برکت، بهزاد؛ بلقیس روشن؛ زینب محمدابراهیمی و لیلا اردبیلی (۱۳۹۱). روایت‌شناسی شناختی (کاربست نظریه آمیختگی مفهومی بر قصه‌های عامیانه ایرانی). *ادب‌پژوهی*، ۶ (۲۱)، ۹-۳۱.
- راسخ‌مهند، محمد (۱۳۸۹). *درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی*. تهران: سمت.
- صادقی، لیلا (۱۳۹۲). ادغام نوشتار و تصویر در متون ادبی براساس نظریه ادغام مفهومی. *جستارهای زبانی*، ۳ (۱۵)، ۷۵-۱۰۳.
- صفوی، کوروش (۱۳۷۹). *درآمدی بر معنی‌شناسی*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- لاری متفکر، مرجان (۱۳۹۲). بررسی آمیزش مفاهیم در نمونه‌هایی از عناوین خبری در بخش ورزشی روزنامه خبر جنوب. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه شیراز (واحد بین‌الملل).
- لبش، علی‌اکبر؛ آرزو نجفیان؛ بلقیس روشن و سید علی‌اصغر سلطانی (۱۳۹۷). مراحل ساخت معنا در خطبه ۸۷ نهج‌البلاغه از دیدگاه نظریه آمیختگی مفهومی. *جستارهای زبانی*، ۹ (۶)، ۱-۲۳.
- مولوی وردنجانی، آرزو؛ ساسان شرفی؛ الخالص ویسی و منصوره شکرآمیز (۱۳۹۸). تحلیل فشرده‌سازی در سینما در چارچوب نظریه آمیختگی مفهومی در فیلم سینمایی رقص در غبار. *مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران*، ۷ (۲۴)، ۹۳-۱۱۵.
- ندیمی، نرجس (۱۳۹۲). بررسی و تحلیل اخبار سه شبکه تلویزیونی ایران براساس نظریه آمیزه مفهومی. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان.

References

- Coulson, S. & T. Oakly (2000). blending basics. *Cognitive linguistics*, 11, 175-196.
- Evans, V. & M. Green (2006). *Cognitive Linguistics: An Introduction*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Fauconnier, G. (1997). *Mappings in Thought and Language*. Cambridge: Cambridge

- University Press.
- (2000). Entry for The Encyclopedia of the social and Behavioral Sciences. *Cognitive Linguistic*, 5, 307-315.
- & M. Turner (2002). *The Way We Think: Conceptual Blending and Mind's Hidden Complexities*. New York: Basic Book
- (2003). *Conceptual blending, Form and Meaning*. Cognitivesemiotics, special issue of Recherches en communication.
- Fodor, J. A. & E. Lepore (1996). Thered herring and the pet fish: why conceptual can't be prototypes. *Cognition*, 58, 253-70.
- Grady, G., T. Oakley. & S. Coulson (1999). Blending and metaphor. *In the 5th International Cognitive Linguistics Conference*, 101-175.
- Heldblom, M., O. Kutzo & F. Neuhaus (2016). Image schemas in computational conceptual blending. *Cognitive System Researh*, 39, 42-57.
- Lakoff, G. & M. Johnson (1980). *Metaphors We LiveBy*. Chicago: Chicago University Press.
- Sweetser, E. (1990). *From Etymology to Pragmatics*. Cambridge: Cambridge University Press.